براى مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان‌] بر جاى گذاشته‌اند سهمى است؛ و براى زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان‌] بر جاى گذاشته‌اند سهمى [خواهد بود] -خواه آن [مال‌] کم باشد یا زیاد- نصیب هر کس مفروض شده است. (7) و هر گاه، خویشاوندان یتیمان و مستمندان در تقسیم [ارث‌] حاضر شدند، [چیزى‌] از آن را به ایشان ارزانى دارید و با آنان سخنى پسندیده گویید. (8) و آنان که اگر فرزندان ناتوانى از خود بر جاى بگذارند بر [آینده‌] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنى [بجا و] درست گویند. (9) در حقیقت، کسانى که اموال یتیمان را به ستم مى‌خورند، جز این نیست که آتشى در شکم خود فرو مى‌برند، و به زودى در آتشى فروزان درآیند. (10) خداوند به شما در باره فرزندانتان سفارش مى‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. و اگر [همه ورثه،] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان دو سوم ماترک است؛ و اگر [دخترى که ارث مى‌برد ]یکى باشد، نیمى از میراث از آنِ اوست، و براى هر یک از پدر و مادر وى [=متوفى‌] یک ششم از ماترک [مقرر شده‌] است، این در صورتى است که [متوفى‌] فرزندى داشته باشد. ولى اگر فرزندى نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، براى مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر مى‌برد]؛ و اگر او برادرانى داشته باشد، مادرش یک ششم مى‌برد، [البته همه اینها] پس از انجام وصیتى است که او بدان سفارش کرده یا دَینى [که باید استثنا شود]. شما نمى دانید پدران و فرزندانتان کدام یک براى شما سودمندترند. [این ]فرضى است از جانب خدا، زیرا خداوند داناى حکیم است. (11)